

## بسم الله الرحمن الرحيم

اعتراضات گسترده‌ای که امریکا را به سوی نابودی سوق داده و پیامدهایی را بر سیاست خارجی آن بجا گذاشته!

(ترجمه)

### پرسش

از نزدیک به دو هفته اعتراضاتی که در برخی مناطق گسترده بوده، نظم داخلی امریکا را برهم زده است. این اعتراضات بعضاً با خشونت، به غارت رفتن مراکز تجاری و به آتش کشیده شدن مرکزهای پلیس همراه بوده است. آیا کشتن شدن یک مرد سیاه پوست باعث این اعتراضات گسترده شده است؟ درحالی که برخوردهای این چنینی با سیاه‌پوستان در سال‌های نه چندان دور گذشته هم اتفاق افتاده است؛ اما این‌گونه اعتراضات را در پی نداشته است! و آیا این وضعیت بر سیاست خارجی امریکا پیامدهایی دارد؟

### پاسخ

برای روشن شدن پرسش‌های بالا، لازم می‌بینیم به نکات ذیل اشاره نماییم:

**1- پلیس امریکا جورج فلوید، مرد سیاه‌پوست افریقایی‌الاصول را در شهر میناپولیس ایالت مینه سوتا به تاریخ 2020/5/25 به قتل رسانید.** این قتل جنایت وحشتناکی بود که پلیس تمریناتی را که در مسلک پلیسی انجام می‌دهند، بالای این مرد اجراء کرد، البته با فشار آوردن بر شریان کاروتید در ناحیه گردن‌اش. این جنایت مدت 9 دقیقه ادامه پیدا کرد و فلوید در این مدت فریاد می‌زد "نمی‌توانم نفس بکشم"، تا این‌که وفات کرد. تمام امریکایی‌ها این جنایت زشت را مشاهده کردند و با چشم سر بربریت پلیس امریکا در مقابل سیاه‌پوستان را دیدند. روز بعد در پی این حادثه در شهر میناپولیس آتش اعتراضات در عکس‌العمل به این سطح توحش در مقابل انسان‌ها برافروخته شد. سپس دامنه این اعتراضات به شهرهای دیگر امریکا با انتشار گسترده ویدیوی خفه‌سازی دردناک فلوید از طریق رسانه‌های اجتماعی نیز رسید تا این‌که مظاهرات و اعتراضات سراسری شده و بیشتر از 80 شهر را در ایالت‌های مختلف در بر گرفت.

در پی آن مقامات، قیود منع گشت و گذار را برای جلوگیری از اعتراضاتی که اکثراً با خشونت، قتل، غارت و به آتش کشیدن مراکز تجاری و پوسته‌های پلیس همراه بود، به اجراء گذاشتند. پلیس امریکا برای سرکوب معترضین به زور متوسل شده، بیشتر از 4 هزار نفر را در شهرهای مختلف بازداشت نمود و از کشته شدن چندین نفر نیز خبر داد. هم‌چنان نیروهای گارد ملی برای بازگرداندن آرامش به جاده‌ها فراخوانده شدند؛ بلکه فراتر از آن اردوی امریکا برای نخستین بار در تاریخ امریکا، جهت حاکم ساختن امنیت در پایتخت امریکا واشنگتن، به جاده بیرون کرده شد. به همین ترتیب ترامپ از ترس این‌که مبادا معترضین به قصر سفید هجوم ببرند، به یک پناه‌گاه امن زیرزمینی پناه برد.

**2- امنیت و نظم داخلی امریکا در نتیجه این اعتراضات برهم خورد؛ چیزی که حکومت‌های امریکایی یکی از پس از دیگر به آن می‌بالیدند.** اما در این حادثه اماکن زیادی به آتش کشیده شد، محلات تجاری مورد غارت قرار گرفت و مراکز پلیس به ویرانه‌ها مبدل شد و امریکایی‌ها را به دوزخی که حکومت‌های شان در طول تاریخ به دولت‌های دیگر آماده کرده بودند، هشدار

می‌داد. واضحاً این حادثه ملت آمریکا را به سوی هرج و مرج و بی‌بند و باری که خود آمریکا در تعاملش با دیگر کشورها در پیش گرفته بود، سوق می‌دهد. اگر از هر بُعد و زاویه نگریسته شود؛ وقایع و نمایشات زنده و تکان‌دهنده اتفاق افتاد: رییس‌جمهور، مظاهرچیان مسالمت‌آمیز در اطراف قصر سفید را از سگ‌های دیوانه و از اسلحه‌ای که میزان کشندگی بیشتر دارد می‌ترساند؛ در صورتی که آن‌ها جرأت نمایند به دیوارهای قصر سفید که با موانع برقی و دیوارهای کانکریتی پوشانیده شده، هجوم ببرند. هم‌چنان رییس‌جمهور از فرمان‌داران ایالت‌ها می‌خواهد تا با استفاده از زور و شدت به مظاهرچیان پاسخ داده و امنیت را با استفاده از نیروی نظامی برگردانند. وی به فرمان‌داران ایالت‌ها پیشنهاد می‌کند که برای سرکوب اعتراضات از گارد ملی کمک بخواهند. به همین ترتیب ترامپ ارتش ایالات متحده آمریکا را در حالت آماده‌باش کامل قرار داد تا اگر پلیس و گارد ملی در تأمین امنیت ناکام شدند؛ ارتش در طی 4 ساعت مداخله نموده و اوضاع را زیر کنترل گیرد. عملاً ارتش به واشنگتن اعزام شد؛ اما به اثر انتقادات گسترده‌ای که متوجه ترامپ گردید که از ارتش بر ضد مردم کار می‌گیرد؛ از این طرح منصرف شد. از جهت دیگر توده‌های خشمناکی که نه پلیس آن‌ها را متوقف ساخته می‌تواند و نه تهدیدات ویروس کرونا؛ یک بخش از آن‌ها چهره مسالمت‌آمیز داشته که خواستار حقوق مدنی، به دادگاه کشانیدن قاتلین و اصلاحات در ساختار پلیس استند و بخش دیگری از معترضین عمداً به نهادهای حکومتی، خاصاً پلیس هجوم آورده، مراکز آن‌ها را به آتش کشیده و ویران می‌نمایند. در پی آن رییس‌جمهور ترامپ مظاهرچیان را به جنبش چپ "آنتیفا" نسبت داد که دشمنی و نگرشی بدی به سرمایه‌داری دارد. و بخش سومی از این معترضین کسانی هستند که بدون داشتن کدام هدف بزرگ دست به غارت، دزدی و فعالیت‌های خراب‌کارانه می‌زنند.

**3- واقعیت پلیس آمریکا که نژاد سفید در آن اساس و ستون شمرده می‌شود؛** این گونه است که به اهانت و تحقیر باشندگان سیاه‌پوست آمریکا عادت کرده است و تعداد زیادی از آن‌ها توسط افراد پلیس کشته شده‌اند، که برخی از این قتل‌ها مستند بوده و از آن‌ها تصویربرداری هم شده است، مانند حادثه قتل فلویید. اما این گونه برخوردها چیزی تازه نبوده، بلکه بار بار انجام شده است. برتری نژادی در آمریکا یک پدیده ملموس و مشهود است که توجه بسیاری‌ها را در حلقه‌های آمریکایی به خود جلب نموده است.

اما علل و عواملی که کشته شدن فلویید به تاریخ 25 می 2020م در شهر میناپولیس، خشم گسترده‌ای آمریکایی‌ها علیه سیاست‌های نژادپرستانه دولت آمریکا در مقابل سیاه‌پوستان را برانگیخت؛ برخی از این اسباب و عوامل به گذشته برگشته و برخی هم جدید و تازه است، که در این جا به بیان برخی از این عوامل می‌پردازیم:

**الف- شکست پروسه ادغام اجتماعی در جامعه آمریکایی:** جامعه کنونی آمریکا از آغاز پیدایش اش، پیدایش نژادپرستانه داشته است. مهاجرین انگلیسی‌تبار به طور خاص و اروپایی‌تبار به طور عام، با گذشتن از روی اجساد میلیون‌ها هندی سرخ‌پوست، صاحبان اصلی آمریکا؛ دست به استعمار آن‌جا زدند. با گذشت زمان و احساس نیاز به افراد کارگر در مستعمرات جدید؛ آن‌ها بردگان سیاه‌پوست را از آفریقا خریدند. از این‌رو آمریکایی‌ها به سیاه‌پوستان آفریقایی‌الصل به دید غلام و برده می‌نگرند و این دید مدت چند قرن به طور رسمی در آمریکا حاکم بود که در جریان آن سیاه‌پوستان آفریقایی‌الصل به انزوای نژادی و برخورهای تمسخرآمیز در مزارع و کارخانه‌های سفیدپوستان مواجه بودند. قانون جنسیت 1790 تنها به سفیدپوستان آمریکایی حق تابعیت می‌داد و سیاه‌پوستان را به عنوان شهروندان آمریکایی به رسمیت نمی‌شناخت. باوجود دستیابی

امریکایی‌های افریقایی‌الصل به برخی حقوق‌شان، مانند حق رأی در ده‌های شست قرن 19؛ نژادپرستی به عنوان سیاست رسمی دنبال می‌شود، حتی پس از پایان یافتن جنگ داخلی [1861-1865].

پس از نیمه قرن بیستم جنبش بزرگ بنام "حقوق مدنی" شکل گرفت و مارتین لوتر کینگ در آن به عنوان رهبر سیاه‌پوستان امریکایی شهرت بسزایی یافت. از دستاوردهای این جنبش این بود که سیاه‌پوستان به عنوان شهروندان امریکا به رسمیت شناخته شدند. از آن به بعد سیاه‌پوستان افریقایی‌الصل گمان نمودند که آن‌ها به حقوق مدنی که پدران و نیاکان‌شان از آن محروم بودند دست یافتند. اما این دستاورد سیاه‌پوستان نگرش نژادپرستانه سفیدپوستان امریکایی در قبال آن‌ها را چندان تغییر نداد و برخوردهای نژادپرستانه علیه آن‌ها هم‌چنان ادامه پیدا کرد. با آن که زعماء و رهبران امریکا از پایان یافتن نژادپرستی در امریکا سخن گفته اند؛ اما گزارش‌های متعدد از عمیق بودن این مفکوره در امریکا بر علیه سیاه‌پوستان افریقایی‌الصل خبر می‌دهد. از مظاهر نژادپرستی علیه سیاه‌پوستان در امریکا، بالا گرفتن آمار زندانیان سیاه‌پوست در مقایسه با سفیدپوستان، بالا رفتن میزان بیکاری در میان‌شان، تفاوت آشکار در حد اوسط درآمد بین خانواده‌های سیاه‌پوست افریقایی‌الصل در مقایسه با خانواده‌های سفیدپوست، نارسایی‌هایی جدی در خدمات صحتی / بهداشتی و خدمات عمومی دیگر است. این خدمات در میان محلاتی که اکثراً سیاه‌پوستان زندگی می‌نمایند و بنام محلات سیاه‌ها یاد می‌شوند و در میان مناطقی که غالباً پیشرفته نامیده می‌شوند، تفاوت آشکاری دارد. در این مناطق خدمات صحتی به گونه‌ای شایسته‌تر آن فراهم شده و کرایه‌ای اقامت‌گاه‌های محلات سفیدپوستان بالا می‌باشد.

**ب- بر سر کار آمدن اداره نژادپرست ترامپ و گزینش مدافعان برتری نژاد سفید:** گروه‌های پشتیبان رییس جمهور ترامپ به برتری نژاد سفید باورمند هستند و جایگاه این گروه‌ها با آمدن ترامپ به قصر سفید در سطح بالای قرار گرفت. این گروه‌ها ترامپ را در امر نژادپرستی‌شان رهبری مناسبی یافتند. این‌ها با مسیحی‌های معتقد به انجیل آمیخته شده‌اند که این حس برتری جویی خود را رنگ دینی هم می‌دهند. ترامپ علیه مسلمانان سخنان آشکاری داشته، تعدادی از آن‌ها را از بدست آوردن ویزای دخیلی امریکا ممانعت نموده، بیانات واضح و دشمن‌گونه بر علیه مکزیک‌ها داشته، برنامه‌های را برای ایجاد دیوار در مرزهای مکزیک طرح نموده که برخی از آن‌ها به مرحله اجرا قرار گرفته، جنگ تجارتي علیه چین را آغاز نموده، ویروس کرونا را ویروس چینی خوانده و موج از دشمنی علیه چین را در داخل امریکا بوجود آورده است. ترامپ با تظاهرات 2017 نازی‌های تازه در ایالت ویرجینیا نرمش نشان داده، همیشه با زبان اهانت و تحقیر در مورد اقلیت‌ها و حتی در مورد قتل فلوید سخن گفته است. او هم‌چنان بر ضرورت سرکوب اعتراضاتی که به حمایت از حقوق سیاه‌پوستان در امریکا برگزار می‌شود، تأکید کرده است. در نتیجه این همه، ترامپ یکی از عوامل تحریک نژادپرستی و تفکیک نژادی در امریکا بشمار می‌رود. از این‌رو آمار اعمال خشونت‌بار و نگرش دشمن‌گونه بر علیه سیاه‌پوستان، مسلمان‌ها، مکزیک‌ها و چینایی‌ها در جریان زمام‌داری ترامپ بالا گرفته است. وی به این جماعت‌ها این‌گونه می‌بیند که انگل‌های (طفیلی‌ها) هستند که برای گرفتن فرصت‌های کاری امریکایی‌ها و غارت سرمایه‌های شان آمده‌اند. از این‌رو تفاوت نژادی در بخش‌های متعدد جامعه امریکایی یک امر برجسته و ملموسی گردیده است.

**ج- پیامدهای ویروس کرونا در درون جامعه امریکا:** از عواملی که بر شعله اعتراضات قتل فلوید در امریکا افزود؛ این بود که این اعتراضات هم‌زمان شده بود با انتشار ویروس کرونا و خانه‌نشینی شدن امریکایی‌ها، که از یکسو احساس فشار و تنگی نموده و از جهت دوم رشد سرسام‌آور بیکاری را در میان آن‌ها رقم زده است، که این امر باعث نگرانی امریکایی‌ها نسبت به وضعیت

آینده‌شان شده است. از جهت سوم امریکایی‌ها ناکامی غیر قابل تصور حکومت‌شان در رویارویی با انتشار ویروس کرونا را مشاهده نمودند تا جایی که نواقص و کمبودی‌های بسیاری در لوازم و ساختارهای بهداشتی و عدم آمادگی برای مبارزه با ویروس را دیدند؛ باوجود آن که امریکا فرصتی مناسبی در امر رویارویی با بیماری داشت؛ چون این بیماری پس از چین و اروپا دامن‌گیر امریکا شد. هم‌چنان سهل‌انگاری اداره دولت امریکا در تعامل با یا پاندمی و واگیردار و پیامدهای آن، عامل دیگر در چندپارچگی سیاسیون این کشور خاصاً در نحوه برخورد و تعامل با بحران این بیماری واگیردار شده است.

از موضوعات مهم داخلی و اساسی امریکا این است که جامعه امریکا احساس بالای نسبت به بدی و ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری پیدا نموده است، پروسه توزیع ثروت به نفع یک گروه کوچک از سرمایه‌دارها، لابیست‌های تأثیرگذار بر سیاست به سرعت ترسناکی رو به افزایش است. سیاستی که به سوی بخشش‌های مالیاتی این گروه کوچک در حرکت است؛ درحالی که افراد با درآمد متوسط و اندک از مالیات هنگفت و کمرشکنی رنج می‌برند. این اعتراض‌ها قوت و قدرت رو به بالای جنبش ضد سرمایه‌داری در امریکا (آنتیفا) را به نمایش گذاشت؛ جنبشی که رییس جمهور ترامپ خواستار آن شد که در لیست گروه‌های تروریستی جا داده شود. این همان جنبشی است که فراخوان اشغال بازارهای سهام در "وال ستریت" را داده بود؛ بازارهای که نشانه بزرگی از سرمایه‌داری پس از بحران مالی 2008م به شمار می‌رفت. حامیان این جنبش روز به روز در حال افزایش بوده و در جامعه امریکایی ریشه دوانیده است. این جنبش خواستار استفاده خشونت علیه سرمایه‌داری است و امروز به این متهم است که مظاهره‌چیان را به سوزاندن و ویران نمودن نهادهای حکومتی از جمله مراکز پلیس تشویق و تحریک نموده است.

#### 4- این عوامل پیامدهای را بر سیاست خارجی امریکا به جا گذاشته و این پیامدها نظر به دلایل ذیل تأثیرگذارای فروانی دارد:

**الف- حالت چندپارچگی در امریکا:** اداره ترامپ از 2017م بدینسو واضح ساخته است که امریکا مانند قلب یک شخص نیست؛ بلکه سیاست‌های چندپارچه‌ای در آن به اجراء گذاشته شده که امریکایی‌ها در اطراف هریک گرد آمده‌اند، مانند جنگ‌ها، کمک‌های بین‌المللی که امریکا به اجیرانش در نقاط مختلف جهان انجام می‌دهد، سیاست مالیاتی، تعامل با اقلیت‌ها، پناهندگی و سیاست‌های بسیار دیگر. اما با آمدن ترامپ، خود او از برجسته‌ترین عوامل چندپارچگی امریکا گردید. آنچه باعث این امر شد؛ شخصیت اوست که خودخواهی بیش از حد، وابستگی به قدرت، تمایل بیش از اندازه به نمایش گذاشتن خود، کم‌حکمتی، تمایل به داخل شدن در کشمکش‌های داخلی و ابراز تکبر به شکست دادن دشمنان را در خود دارد. این همه باعث آن شده تا امریکا عملاً در سایه ترامپ چند پارچه شود، که جمعی با او و یا علیه او باهم گرد آمده‌اند. هم‌چنان میزان برکناری و استعفاء در دولت وی بیشتر شده، به گونه‌ای که با این حجم و کمیت در زمان هیچ رییس جمهور امریکایی صورت نپذیرفته است.

بحران ویروس کرونا و مشاجرات لفظی بین رییس جمهور و فرمان‌داران برخی ایالت‌ها، سرعت این انقسام و چندپارچگی را بیشتر نموده است. این چنددستگی در بعد سیاسی و اقتصادی به امریکا ضرباتی وارد نموده که بر جامعه امریکایی انعکاساتی داشته است. شیوه‌ای برخورد ترامپ با اداره‌اش در مقابل اعتراض‌های مردمی، عامل چرب دیگر در پُر رنگ ساختن این چندپارچگی است، به گونه‌ای که ترامپ خواهان آن است که جنبش‌های اعتراضی که پس از کشته شدن فلوید وارد صحنه شده‌اند، باید با استفاده از زور و نیروی نظامی سرکوب شوند؛ اما حزب دموکرات و فرمان‌داران ایالت‌ها با او مخالف‌اند، حتی

وزیر دفاع اش از این که نیروهای امنیتی اعتراض کنندگان را از اطراف کلیسایی که در مجاورت قصر سفید قرار داشت، دور نمودند تا ترامپ به زیارت آن برود، معذرت خواسته و آن را تبلیغات سیاسی ترامپ خواند.

از تازه‌ترین و جدی‌ترین این کشمکش‌ها "نامه مشترک وزرای دفاع پیشین و ده‌ها مسؤول نظامی امریکاست، که در آن ترامپ را به خیانت قسَم و قانون اساسی متهم نمودند؛ چون دیدگاهش این بود که جهت رویارویی با معترضین ارتش را وارد میدان نماید. در میان کسانی که آن نامه را امضاء نمودند، جمیز متیس وزیر دفاع سابق نیز شامل است. (منبع: الجزیره نت، 2020/6/7) این قضیه به وزراء دفاع پیشین منحصر نشده؛ بلکه وزیر دفاع و مسؤولین کنونی آن نیز عکس‌العمل مشابهی انجام دادند. نظر به منبع سابق «شبکه سی ان ان» از یک مقام وزارت دفاع امریکا "پنتاگون" نقل نموده است که دونالد ترامپ از وزارت دفاع خواسته بود تا ده هزار سرباز را در واشنگتن و دیگر شهرهای امریکا جهت مقابله با اعتراضات هفته گذشته مستقر نماید؛ اما مارک اسپر وزیر دفاع و مارک میلی رییس ستاد مشترک ارتش، این درخواست را رد نمودند. این درخواست در مورد تظاهرات گسترده واشنگتن، شهرهای دیگری امریکا و شهرهای اروپایی علیه نژادپرستی و خشونت پلیس راه‌اندازی شده بود. مجله نیویورکر به نقل از منابعی در قصر سفید گفته است که بین ترامپ و جنرال مارک میلی مشاجره لفظی اتفاق افتاده است. مجله مذکور نقل نموده که جنرال میلی در مقابل ترامپ صدایش را بلند نموده و بر خواست ترامپ مبنی بر کشانیدن ارتش به جاده‌ها، برای پایان دادن به مظاهرات؛ اعتراض نموده است؛ چون میلی این کار را خلاف قانون تلقی می‌نموده است.»

**ب- زمان انتخابات ریاست جمهوری:** آن چه بر گرمی این قضیه افزوده است این است که این اعتراض‌ها در هنگام کمپاین‌های انتخاباتی هردو کاندیدا؛ جو بایدن دموکرات و ترامپ جمهوری خواه شعله‌ور شده است. در این وضع رییس جمهور ترامپ نگرانی شدیدی از آینده‌اش به عنوان رییس جمهور دارد و می‌خواهد که در نوامبر این سال دوباره بر اریکه قدرت تکیه زند. بلکه این موضوع اولویت شماره یک او می‌باشد؛ اما دلیل نگرانی او پیامدهای ویروس کرونا، اثرات آن بر اقتصاد امریکا، از دست دادن فرصت‌های شغلی میلیون‌ها امریکایی و آن چه از در مورد مدیریت بدی او در مورد بحران این ویروس گفته می‌شود، می‌باشد. ترامپ از این می‌ترسد که مبادا این موارد فوق عاملی باشند که رقیب دموکرات انتخاباتی‌اش در کمپاین‌های انتخاباتی از آن‌ها بهره‌برد. علاوه بر این‌ها امروز ترامپ با موجی از اعتراضات گسترده‌ای روبرو می‌شود و می‌خواهد که شخصیت خود را به عنوان یک مرد قوی در امر تأمین امنیت و حفظ دارایی‌ها تبارز دهد؛ امری که در این فرصت انتخاباتی قابل تحقق نیست.

اما جو بایدن رقیب انتخاباتی او، حزب دموکرات و نیروهای دیگر تلاش دارند تا این تلاش‌های ترامپ را وارونه جلوه داده و تصویر مخالف ارایه دهند و او را مردی معرفی کنند که در جهت چندپارچگی امریکا کار می‌کند و توانایی بهبود بخشیدن آسیب‌های وارده به امریکا را پس از کشته شدن فلوید و تظاهرات ندارد. هم‌چنان مسؤولیت خشونت و هرج و مرج در مظاهرات را به دلیل گفته‌های تند و آتشین‌اش بر علیه معترضین، به دوش او می‌اندازند.

**ج- سرکوب اعتراض‌ها توسط دولت:** دولت‌های جهان شاهد بودند که حکومت امریکا با اعتراض‌های مردمی چگونه برخورد دردناک و وحشیانه انجام داد و گفته‌های ترامپ در مورد تطبیق امنیت با استفاده از زور، سگ‌های دیوانه، سلاح‌های با قدرت کشتار بیشتر، زندانی شدن هزاران نفر، چوب و چماق، استفاده از گاز اشک‌آور پس از ده‌ها سال ممنوعیت؛ این همه موارد بود که امریکا علیه رقبایش زیر عنوانین: حقوق بشر، حق آزادی بیان، حمایت از فعالیت‌های مدنی و غیره استفاده می‌نمود. و این تأثیر مستقیم بر سیاست خارجی امریکا دارد که امروز امریکا یکی از عوامل توجیه‌کننده‌ای بین‌المللی اش را از دست داده

است. آن چه این ادعا را تأکید می کند؛ گفته های ماریا زاخارووا سخن گوی وزارت خارجه روسیه است که گفته بود: «اعتبار از اواخر ماه می و اوائل ژوئن 2020، ایالات متحده آمریکا هرگونه حقی را که فردی را در کره زمین در رابطه به حقوق بشر ملامت نماید، از دست داده است.» زاخارووا در تبصره اش پیرامون نحوه تعامل مقامات آمریکا با مظاهرة چینی که در اعتراضات ضد نژادپرستی و خشونت پلیس راه اندازی نموده شده بود، اضافه نموده است: «همه چیز بیان یافت! از این لحظه به بعد هیچ حقی ندارند». (منبع: اليوم السابع، 2020/6/2)

5- تفکیک نژادی در آمریکا یک امری نهادینه شده است که برای اندک زمانی خاموش می شود؛ اما برای مدت طولانی در حرکت می باشد. نژادپرستی بیماری فکری است که در بطن نظام سرمایه داری امریکایی جا داشته است؛ بلکه بیماری است که هیچ نظام وضعی و بشری از آن خالی نمی باشد؛ چون این بیماری برخاسته از هوای نفس و تمایلات محض غریزوی است که بین سفید و گندمی و سرخ و زرد تفکیک قائل می شود. هرچند قائل شدن این تفکیک آسیب های را متوجه دیگران و حتی در آینده ها متوجه خود این افراد هم بسازد.

**اسلام یگانه دین و مرجعی ست که تفکیک نژادی را از بین برده و می برد.** در اسلام بین انسان ها برتری از دید رنگ، مقام و دارایی وجود ندارد؛ بلکه همه یکسان بوده، یکی بر دیگری برتری ندارند؛ مگر به تقوا. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

خَبِيرٌ﴾ [حجرات: 13]

**ترجمه: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید.**

**بی گمان گرامی ترین شما نزد الله با تقواترین شماست.**

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی که آن را بیهقی از ابی نضره و او از جابر ابن عبد الله روایت نموده که جابر گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم در ایام میانه ای تشریح خطبه وداع و خدا حافظی را به ما ایراد نموده در آن گفت:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَىٰ عَرَبِيٍّ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَىٰ أَسْوَدَ، وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَىٰ أَحْمَرَ، إِلَّا بِالْتَّقْوَىٰ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟»، قَالُوا: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ:

«فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ»

**ترجمه: ای مردم! پروردگارتان یکی ست و پدرتان هم یکی بود. آگاه باشید هیچ عربی بر عجمی و هیچ عجمی بر عربی و نه سرخی بر سیاهی و نه سیاهی بر سرخی برتری ندارد؛ مگر به تقوا. به یقین گرامی ترین شما نزد الله با تقواترین شماست. آیا پیام و رسالتم را رساندم؟ گفتند: بلی یا رسول الله رساندی. گفت: پس حاضر به غائب برساند.**

بُؤْبُؤِصِرِي هَمْ حَدِيثَ رَا هَمِينِ كُونَه تَخْرِيجِ نَمُودَه اسْت وَ طَبْرَانِي نَبِيْزَ بَا اِضَافَه اَيْنِ الْفَاظِ رَوَايَتِ نَمُودَه اسْت «وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَىٰ أَبْيَضَ وَلَا لِأَبْيَضَ عَلَىٰ أَسْوَدَ»، يَعْنِي هَيْجَ بَرْتَرِيِي سِيَاهِ بَرِ سَفِيْدِ وَ سَفِيْدِ بَرِ سِيَاهِ نَدَارِد.

پس اسلام یگانه نظامی ست که بر تفکیک نژادی نقطه پایان می گذارد؛ چون فرستاده شده از جانب پروردگار جهان است و به سوی حق رهنمایی می کند و خیر و خوبی را در چهارگوشه جهان منتشر می نماید.

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ [يونس: 35]

ترجمه: آیا آن کسی که راه حق را نشان می‌دهد سزاوارتر است که پیروی شود، یا کسی که راهنمایی نمی‌کند؛ بلکه باید

خودش راهنمایی گردد؟ شما را چه شده است؟ این چه حکمی است که می‌کنید؟

20 سوال 1441 هـ.ق

11 جون 2020 م

مترجم: منیب حمیدی